

فرصت‌های ژئوپلیتیکی در روابط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای خاورمیانه (مطالعه موردی کشور عراق از ۲۰۱۰-۲۰۱۷)

محمد اخباری^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰

چکیده

منطقه خاورمیانه محل تلاقی سه قاره آسیا اروپا و آفریقا و کانون پیدایش ادیان الهی همواره مورد توجه بازیگران قدرتمند بوده و تاریخ نیز شاهد رقابت امپریالیستی در این منطقه می‌باشد. هدف این مقاله شناسایی کدهای ژئوپلیتیکی مؤثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر استدلال می‌باشد. با توجه به اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس بر روی یک فلات قاره واقع شده‌اند و از جنبه‌های متعدد دارای اشتراکاتی هستند ولیکن از گذشته تاکنون هیچ یک از آنها از ابزارهای ژئوپلیتیکی خود آنگونه که شایسته است استفاده ننموده و همچنان درگیر اختلافات فرهنگی، قومی و منازعات مرزی هستند. ایران و عراق با بیشترین طول مرزی از فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و موقعیت جغرافیایی برخوردار می‌باشند، شناسایی این عوامل می‌تواند زمینه ساز طراحی یک راهبرد کارآمد در این منطقه را فراهم سازد، عواملی که مانند شمشیر دو لبه عمل می‌کنند به گونه‌ای که اگر از فرصت‌های ژئوپلیتیکی به طور مطلوب استفاده شود شاهد همگرایی بیشتر و زمینه ساز سایر فرصت‌ها خواهیم بود.

واژگان کلیدی: فرصت‌های ژئوپلیتیکی، سیاست خارجی، کشورهای خاورمیانه، ایران، عراق

مقدمه

جوامع از زمان‌های کهن با یکدیگر روابط سیاسی داشته و در چارچوب یک سلسله اصول مشخص و از پیش تعیین شده، برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی با کشورهای دور و نزدیک رابطه برقرار می‌کردند. (Behzadi: 1994: 9) امروزه نیز جوامع به وسیله مرزهای جغرافیایی از یکدیگر جدا شده و در عین حال با جامعه بزرگتری به نام جامعه بین الملل در ارتباط هستند این جامعه شامل ۱۹۶ کشور می‌باشد^۱ که روابط بین الملل را شکل می‌دهند و روابط سیاسی خود را در مقوله‌ای به نام سیاست خارجی^۲ سازماندهی کرده و این امر را به تشکیلاتی به نام وزارت امور خارجه می‌سپارند.

خط مشی و روشی که دولت‌ها در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می‌کند در سیاست خارجی بررسی می‌شود (Mansuri:1986:11) برای نیل به چنین هدفی کشورها تلاش می‌کنند با توجه به اولویت‌های قانون اساسی کشور خود نحوه ارتباطشان را با سایر کشورها تدوین کنند، از آنجایی که هیچ یک از کشورها از لحاظ برخورداری از منابع، موقعیت جغرافیایی جمعیت، فرهنگ، قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی یکسان نیستند نحوه ارتباط با آنها نیز متفاوت می‌باشد. بنابراین برای ارتباط با سایر کشورها می‌بایست به اولویت‌ها در سیاست خارجی، منافع ملی و همچنین امکانات کشور را مد نظر قرار داد.

فرصت‌های ژئوپلیتیکی در عراق شامل عناصر طبیعی نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی، ساختار انسانی جمعیتی اقوام و اکثریت مذهب تشیع که کارکرد سیاسی پیدا کرده می‌باشد، این عناصر نظر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است. از طرفی چالش‌های ژئوپلیتیکی عراق در دسترسی به آبهای آزاد، موضوع فرودست در مباحث هیدروپلیتیک، ماهیت تحمیلی مرز در کشورهای خاورمیانه، مباحث مربوط به قوم کرد و عرب، فساد دستگاه‌های اداری، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه، وجود تروریست‌های تکفیری از مسائلی است که بر سیاست خارجی ایران و عراق سایه افکنده است.

برقراری ارتباط مناسب و ایجاد یک همگرایی بادوام بین ایران و عراق مستلزم شناسایی پتانسیل‌ها، قابلیت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات موجود در منطقه می‌باشد. در این میان عوامل ژئوپلیتیکی به دلیل ماهیت جغرافیایی و پایداری بیشتر نقش برجسته‌تری در طراحی و تدوین راهبردی کارآمد که زمینه ساز دستیابی به اهداف و منافع ملی کشور باشد فراهم می‌کند.

رویکرد نظری

چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: هدف سیاست خارجی دستیابی به اهداف ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای نیل به آنها است. از آنجا که تعقیب منافع و اهداف ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورها است، سیاست خارجی

^۱ تعداد کشورها در منابع مختلف از ۱۹۳ تا ۲۰۲ در نظر گرفته شده در وبسایت Cia.gov به ۲۰۰ کشور اشاره شده که تعداد چهار کشور را هم در قاره اروپا و هم در قاره آسیا محاسبه کرده است که از این تعداد ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل هستند.

^۲ Foreign Policy

تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است. (Crabb, Antizzo, Sarriddine, 2000: 65) با این حال، سیاست خارجی یک مفهوم انتزاعی و جنبه‌ای کلی دارد و قلمرو خاصی را دربر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی رویکردهای نظری و اندیشه‌ای یک واحد سیاسی نسبت به محیط منطقه‌ای و جهانی است. هرگاه این رویکردهای نظری و اندیشه‌ای بُعد جغرافیایی به خود بگیرند، موضوعی ژئوپلیتیکی خواهند شد. همان‌گونه که نظم جنگ سرد تحت تأثیر فشارهای جغرافیایی قرار داشت، نظم دوره پس از جنگ سرد نیز از این عوامل، مخصوصاً اهمیت مستمر مناطق و منطقه‌گرایی و همچنین نیروهای ساختاری موازنه قوای بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. تأثیر متقابل این فشارها یک رویکرد «جغرافیای ساختاری» از سیاست بین‌الملل را ایجاد می‌کند (Stein and Lobell, 1997: 103) و از آنجا که کنش‌های فرامرزی کشورها بی‌واسطه با دو مفهوم قدرت و فضای جغرافیایی سروکار دارند، تصمیمات دستگاه سیاست خارجی ماهیتی ژئوپلیتیکی خواهند داشت. براین اساس، همپوشانی روابط خارجی با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی توجیه‌کننده اتخاذ استراتژی‌های ژئوپلیتیکی در دستگاه سیاست خارجی کشورها است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد و نیز در فصل دهم از اصل ۱۵۲ تا ۱۵۵ به مقوله سیاست خارجی پرداخته است. مبحث سیاست خارجی ما، دربرگیرنده موضوعاتی هم چون کوشش در حفظ منافع ملی و میهنی، دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفین جهان، برقراری روابط صلح آمیز و حسنه با ملل جهان، صدور انقلاب اسلامی، کمک به نهضت‌های آزادیبخش و... می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به رغم برخورداری از موقعیت استراتژیک، به لحاظ نبود هماهنگی مؤثر میان جنبه‌های فیزیکی و نرم‌افزاری در دیپلماسی سیاست خارجی، فاقد جایگاه متناسب در صف‌بندی‌های نظام بین‌الملل بوده و با رشد روزافزون هزینه‌های بین‌المللی روبه‌روست. گشایش در این مسأله، مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیکی (موقعیت، وضعیت، منابع انرژی، ایدئولوژی، قلمرو فرهنگی و...) همراه با تعامل مؤثر و ایجاد درکی متقابل از شرایط زمان و مکان است. (Rashno: 2015: 84)

علمای روابط بین‌الملل بر این عقیده هستند که سیاست خارجی هر کشور مستقیماً با عناصر قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. می‌توان برای تعیین قدرت ملی یک کشور میان دو دسته از عوامل تفکیک قائل شد: عوامل نسبتاً با ثبات و عواملی که همواره دستخوش دگرگونی هستند. (Morgenta: 1995: 197) عوامل ثابت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها منشأ طبیعی داشته باشند، به دلیل مطرح بودن جغرافیایی در بین عوامل ثابت و انسان در بین عوامل متغیر، نقش دو قطب اصلی را در تحلیلهای ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند. (Ezzati: 2006: 76) ویژگی‌هایی همچون موقعیت جغرافیایی (موقعیت دریایی، موقعیت ساحلی، موقعیت بری یا مرکزی، موقعیت استراتژیک)، وسعت کشور (امروزه از اهمیت این شاخص کاسته شده)، وضع توپوگرافی، طول مرز، شکل کشور، شبکه آبها از عوامل ثابت و مؤلفه‌های جمعیت و نحوه توزیع آن، منابع طبیعی (غذایی و معدنی)، نهادهای سیاسی اجتماعی (رژیم سیاسی، سازمان اقتصادی، عادات، تاریخ، فرهنگ، اعتقادات جامعه را در بر می‌گیرد.

قدرت صنعتی و یا تکنولوژیک در زمینه‌هایی مانند صنعت، حمل و نقل، ارتباطات و یا کشاورزی خود می‌تواند گویای قدرت یک کشور باشد. آمادگی نظامی مستقیماً با قدرت یک کشور در رابطه است و در ذیل آمادگی نظامی

می‌توان به عواملی همچون تکنولوژی نظامی، رهبری، کمیت و کیفیت نیروهای مسلح پرداخت. جمعیت یک کشور نیز نمادی از قدرت ملی آن کشور می‌تواند باشد و البته این موضوع الزامی نیست. شاید از خود جمعیت، توزیع جمعیت و روند رشد جمعیت مهمتر باشد. در میان عوامل کیفی مربوط به قدرت ملی می‌توان از منش ملی^۱، روحیه ملی^۲، کیفیت حکومت و جامعه و کیفیت دیپلماسی نام برد. (Morgenta: 1995: 246) برقراری ارتباط مناسب و ایجاد یک همگرایی بادوام مستلزم شناسایی پتانسیل‌ها، قابلیت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات موجود در منطقه می‌باشد. در این میان عوامل ژئوپلیتیکی به دلیل ماهیت جغرافیایی و پایداری بیشتر نقش برجسته‌تری در طراحی و تدوین راهبردی کارآمد که زمینه ساز دستیابی به اهداف و منافع ملی کشور باشد فراهم می‌کند.

فرصت ژئوپلیتیکی عبارتست از بهره‌گیری از عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی به منظور افزایش قدرت ملی و ارتقای موقعیت کشور در نظام بین‌الملل (ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارای طیف گسترده‌ای از عوامل انسانی طبیعی فضائی مکانی و غیره می‌باشد و منظور از چالش‌های ژئوپلیتیکی ایجاد یک وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از شاخص‌ها و عوامل جغرافیایی). (Hafez Nia: 2000: 213) کاربرد یک یا تعدادی از ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی بر علیه کشور رقیب می‌تواند آن را به زانو درآورد و مواضع سیاسی وی را منفعل نماید و سبب شود تا بازیگران، خواست‌ها و اراده خود را بر آن تحمیل نمایند. (Hafez Nia: 2006: 121)

در واقع می‌توان گفت از آنجایی که ژئوپلیتیک به بررسی فضاها و عناصر موجود در آن در روابط بین قدرت می‌پردازد، فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی نیز به نحوی استفاده از این فضاها و عناصر آنها توسط قدرت‌ها مربوط می‌شود. بنابر این ایران در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه دارای فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی می‌باشد که این عوامل با توجه به نحوه استفاده و برخورد این کشور و سایر قدرت‌های موجود در منطقه می‌تواند تغییر ماهیت و کارکرد نیز بدهند. شناسایی کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشور می‌تواند نقش مؤثر در اتخاذ سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلیتیکی ایفا کند. آگاهی از موقعیت‌های نسبی سرزمین ملی، ضعف‌ها و توانمندی‌های فضای ملی، آگاهی و شناخت دقیق از ماهیت تحولات منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی، نقطه آغازین درک درست از فضاها و ملی و بین‌المللی و همچنین مانعی در راه تصمیم‌گیری‌های ذهنی و غیر واقعی در چارچوب اهداف و منافع ملی کشورها است.

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. بهترین مثال برای این موضوع روابط بین ایران و عراق است که طی پنج دهه اخیر از یک دشمن استراتژیک اکنون به یک کشور دوست و بازوی ایران در بازی گری در خاورمیانه می‌باشد. بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران به سه نوع رابطه می‌توان اشاره کرد:

¹National Character

²National Morale

(۱) رابطه ساختاری و پایداری، نتیجه عملی این ارتباط ساختاری و پایداری ژئوپلیتیک ایران سبب شده تا در تمامی مراحل پنج قرن گذشته سیستم بین‌المللی که همراه با تغییرات گسترده در کانون قدرت‌های جهانی بوده، همیشه به عنوان یک کشور بین‌المللی باقی مانده‌است.

(۲) رابطه متحول و متغیر، بین سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک رابطه‌ای متحول و متغیر هم وجود داشته است. یعنی هر چند که ایران همواره با پایداری عنصر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی روبروست ولی در شکل این رابطه، تحول و تغییر وجود داشته است. زیرا کانونهای قدرت بین‌المللی در چند قرن گذشته همواره سیال بوده‌اند.

(۳) رابطه ادراکی و عملی، ادراکات متعددی در ادوار مختلف در بین نخبگان ایران از ژئوپلیتیک وجود داشته است که همین تعدد در ادراک ژئوپلیتیکی سبب ظهور نگرشهای متعددی در سیاست خارجی بر بستر ژئوپلیتیک ایران بوده است و به عبارتی این رابطه کاملاً دارای منشأ داخلی است. (Sajadpour: 2004:67)

چالش‌های رابطه بین سیاست خارجی و ژئوپلیتیک در ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

(۱) چالش کهن تنهایی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در ادوار مختلف؛ ایران همواره فاقد متحد استراتژیک بوده و به تعبیری ایران در بین اعراب، ترک‌ها و سایر دول و ملت‌ها قرار دارد و با هر یک از آنها وجوه اشتراکی متعددی دارد ولی جزو هیچ یک از آنها نیست.

(۲) چالش‌های مستمر ژئوپلیتیکی و تغییر و تحولات متعدد مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی جدید از جمله تعارضات جهانگرایی و جهانی شدن، حفظ مرزها و نیز وضعیت مرزها در جهان الکترونیک و یا ژئوپلیتیک نوین شیعه و چالش‌های ایدئولوژیک، اینکه ایران چگونه هم منافع خودش را تأمین کند و هم تعاملات مناسب را در روابط بین‌الملل داشته باشد.

(۳) چالش فکری و اینکه کدام نگرش ژئوپلیتیکی و اجماعی می‌تواند منافع و امنیت ایران را تأمین کند.

خاورمیانه

منطقه خاورمیانه کانون پیدایش سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهود، واقع در مرکز سه قاره آسیا اروپا و آفریقا، دارای کوتاه‌ترین راه‌های آبی و هوایی بین سه قاره، وجود ذخایر فراوان انرژی‌های فسیلی و جمعیت حدود یکصد و پنجاه میلیون نفری حوزه خلیج فارس که مشمول درآمدهای نفتی نیز می‌باشند، بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی غرب فراهم کرده‌اند؛ (Ezzati and Bakhtiyar Pour: 2010) از این رو این منطقه همواره نظر کشورهای قدرتمند را به خود جلب کرده، تاریخ نیز شاهد رقابت امپریالیستی قدرتمندان فرامنطقه‌ای در این منطقه بوده است. با اوج گیری نگرشهای اقتصادی و تاثیرات همه جانبه آن بر تحولات جوامع، شواهد حاکی از آن است که در سده بیست و یکم معیار قدرت بر کم و کیف مدیریت منابع و بویژه توانمندی‌های اقتصادی در سطوح بین‌المللی متمرکز است. بدین سان در ترتیب و اولویت بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور، مهم‌ترین جایگاه را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. با تحولات پس از جنگ سرد، مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که دارای منابع طبیعی سرشار و تولید ناخالص فراوانی باشند. بدین لحاظ است

که منطقه خاورمیانه بویژه حوزه خلیج فارس با در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، از نقش ژئواکونومیک منحصربفردی در سده بیست و یکم برخوردار است. حال اگر مناطق استراتژیک دوران جنگ سرد (ژئوپلیتیک) منطبق با عامل اقتصادی (ژئواکونومیک) گردد، آن مناطق موقعیتی بین‌المللی خواهند یافت که غیرقابل جایگزین بوده و نقشی محوری در تدوین استراتژی جهانی پیدا خواهند کرد. (Rashnho: 2015: 102)

باوجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس بر روی یک فلات قاره قرار گرفته‌اند و از جنبه‌های متعدد دارای اشتراک هستند، اما هرگز نتوانسته‌اند در این حوزه از یک الگوی اعتماد سازی برخوردار شوند، در کنار این اشتراکات اختلافاتی نیز مشاهده می‌گردد، اختلافاتی که تا کنون حل نشده و به صورت آتش زیر خاکستر باقی مانده. تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس کم و بیش با مشکلات مرزی دست و پنجه نرم می‌کنند، این اختلافات با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به خصوص ایالات متحده آمریکا افزایش یافته و استراتژی برخورد با این مقوله از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس متفاوت می‌باشد در حدی که این تفاوت‌های استراتژیک موجب تضاد بین کشورهای حوزه خلیج فارس نیز شده است. از لحاظ نژادی و قومی، رقابت مخرب بین دو گرایش ملی گرایانه عربی و ایرانی اختلاف شدیدی در منطقه ایجاد کرده است. این اختلافات در این مورد محدود نشده و برخورد دو نژاد آریایی و سامی همراه با قومیت‌های گوناگون در کنار چهار فرقه عمده مذهبی: خوارج اباضی، سنی، شیعه و وهابی در دین اسلام عامل پیدایش و تقویت ایدئولوژی‌های متعارض بنیادگرا و ناسیونالیست قومی در منطقه شده است (Zain al- Abedin, Shirzad, Jokar: 2010).

آموزه‌های سیاسی مذهبی تشیع بیش از سایر فرقه‌های مذهبی اسلامی، تعالیم وهابیت را به چالش می‌کشد. بر این اساس وهابیت از عربستان شروع شده و بیشترین فشارها را بر شیعیان این کشور وارد آورده، طی دو قرن گذشته اختلاف بین دو گروه شیعه و وهابی به اوج خود رسیده و اکنون شاهد این درگیری‌ها در منطقه هستیم. (Geographic Organization of the Armed Forces: 2008: 213) برای مثال می‌توان به حادثه دی ماه ۱۳۹۲ اشاره کرد، پس از به آتش کشیدن چادر معترضین در استان‌های سنی‌نشین عراق توسط نیروهای امنیتی و عقب‌نشینی ارتش از دو شهر رمادی و فلوجه، نیروهای داعش این دو شهر را در مرکز استان الانبار به تصرف خود درآوردند و پس از آن در سال ۱۳۹۳ به شمال عراق حمله کرد و موصل دومین شهر عراق را نیز تصرف نمود (Zain al- Abedin, Shirzad, Jokar: 2010).

باتوجه به مطالب فوق از گذشته تا کنون هیچ یک از کشورهای خاورمیانه از ابزارهای ژئوپلیتیکی خود آنگونه که باید استفاده ننموده و همچنان درگیر اختلافات فرهنگی، ناسیونالیسم ملی گرایانه و اصطحاک اقوام، منازعات مرزی به ارث رسیده از دوران استعمار هستند و در نهایت وجود حکومت‌های فاسد خودکامه و ابسطه به قدرتهای فرامنطقه‌ای و جریان‌های امپریالیسم نوین باعث ظهور نهضت‌هایی با هدف رهایی ملت‌ها از استبداد حکومت‌ها و خارج شدن از فشارهای سیاسی بیگانگان شد، در همین تکاپوی جریان‌های نهضت‌ها قدرتهای فرامنطقه‌ای بی‌کار نبودند و با حمایت‌های مادی و معنوی از تروریسم و جنگ‌های نیابتی موجب فجایع عظیمی در این قسمت از کره خاکی شدند.

در حال حاضر بی‌اعتمادی میان کشورهای منطقه حاکم است. به طوری که این بی‌اعتمادی مانع هرگونه همکاری دو یا چند جانبه میان واحدهای سیاسی منطقه می‌شود این بی‌اعتمادی تا حدی روی کشورها تأثیر گذاشته که برخی از کشورها جهت کسب اهداف امنیتی دست به دامن کشورهای فرامنطقه‌ای می‌شوند، که این وضعیت اثرات نامطلوبی بر منافع ملی و استراتژی ژئوپلیتیکی کشورها داشته است (Zain al-Abidin, Shirzad, Jokar: 2010).

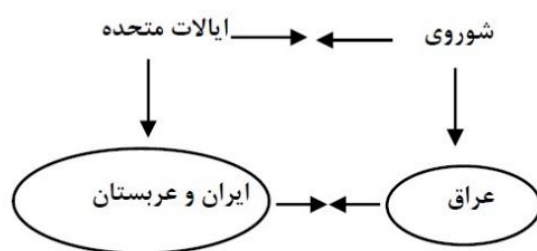
حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس تحت سیطره اقتدار دو دولت قدرتمند این منطقه ایران و عربستان بعد از فروپاشی عراق قرار دارد. ایران و عربستان هردو با قابلیت‌های منحصر به فرد در مقایسه با دیگر کشورهای این سیستم، قابلیت تأثیرگذاری شگرف بر تحولات منطقه و فضای سیاسی حاکم بر آن را پیدا کرده‌اند (Christin 2003: 70). در این میان نفوذ ایران در منطقه نفوذی معنوی است که باید بوسیله سازوکارهای سیاسی تجهیز و مورد استفاده قرارگیرد در نتیجه موتور محرک سیاست خارجی ایران در گفتمان سیاسی دولت ایران نهفته است و سپس به مانورهای سیاسی بر می‌گردد (Ezzati and Bakhtiyar Pour: 2010).

پیشینه روابط ایران و عراق

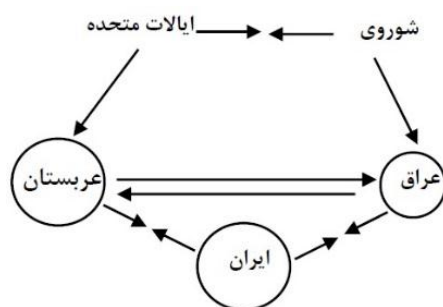
از زمان فروپاشی عثمانی و شکل‌گیری دولت عراق در غرب ایران، سیاست‌های متخذه از سوی دولتمردان آن کشور همواره به عنوان منبع تهدید علیه امنیت ملی ایران به شمار آمده و این کشور به ندرت روابطی دوستانه با ایران داشته است. اختلافات ارضی و مرزی به همراه مسائل مذهبی همچون تبعیض علیه شیعیان در عراق و مسائل قومی و نژادی همانند مناقشه عرب و عجم، حضور کردها در دو سوی مرزهای ایران و عراق به همراه خوی توسعه‌طلبی حاکمان بغداد از جمله عوامل اصلی تنش یا منازعه میان دو کشور در نیم قرن اخیر محسوب می‌گردند.

نقطه آغاز روابط بین ایران و عراق به فروردین ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن‌نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت جهت برقراری روابط سیاسی با ایران باز می‌گردد، دولت عراق در این زمان تحت حمایت انگلستان بود دو سال بعد از این اتفاق عراقی‌ها اعتراض‌شان را نسبت به دولت ایران، در خصوص مأموران گمرک و نیروی دریایی ایران مبنی بر نادیده گرفتن مقررات سازمان بندر بصره و تجاوز به حق حاکمیت عراق در آبهای اروند رود اعلام نمودند. کم‌کم اختلافات بعدی در سال ۱۳۱۳ رخ داد و عراق به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر اروند رود به جامعه ملل شکایت کرد، سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ قراردادی میان دو کشور منعقد شد. در این قرارداد حق کشتی رانی در سراسر اروند رود به استثنای پنج کیلومتری از آبهای آبادان تا خط تالوگ به دولت عراق واگذار شد (Houshang Mahdavi: 2001:39).

آرامش و چالش در روابط دوکشور تا هنگام قدرت یافتن حزب بعث در عراق تا ۲۶ تیر ۱۳۴۷ ادامه داشت اما با حاکم شدن رژیم بعث در عراق، دوره دیگری از تیرگی روابط میان دو کشور آغاز شد. در این دوره علاوه بر اختلافات قبلی، تفاوت‌های ایدئولوژیک رژیم‌های موجود، گرایش‌های پان‌عربیستی شدید رژیم بعث و اراده آن برای کنترل جهان عرب و همچنین گرایش دوکشور به قطب‌های مخالف دوران جنگ سرد و مخالفت عراق با حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه بر وخامت اوضاع افزود.



مدل شماره ۱ - الگوی روابط ژئوپلیتیکی در خلیج فارس قبل از انقلاب اسلامی (Hafez Nia and Rumina: 2005:70)



مدل شماره ۲ - الگوی روابط ژئوپلیتیکی در خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی (Hafez Nia and Rumina: 2005:70)

حسن البکر رئیس رژیم کودتایی عراق در آن هنگام ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد، در نتیجه مقامات بعثی تصمیم گرفتند تا اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شدند بازرسی نمایند. به دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق، آبراه شط العرب را جزء لاینفک خاک عراق نامید و همچنین از ایران خواست تا پرچم‌هایش را از روی کشتی‌ها به پایین بکشد. بدنبال این اظهارات و اعمال مقامات عراقی، دولت ایران نیز در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهد نامه‌ی مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قرار دادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام نمود. این رویداد روابط دو کشور را تا آستانه وقوع برخورد انتظامی به وخامت کشاند و حتی احتمال درگیری نظامی نیز قوت یافت. اما با میانجیگری "هواری بو مدین" در جریان اجلاس سران اوپک (۱۳ الی ۱۵ اسفند ۱۳۵۳) در الجزایر دو کشور به توافقاتی جهت پایان بخشیدن به اختلافات خود دست یافتند. بر اساس این توافق خط تالوگ به عنوان خط مرزی دو کشور شناخته شد.

روابط ایران و عراق از سال ۱۹۷۵ بر مفاد قرار داد الجزایر متکی بود و با ظهور جمهوری اسلامی ایران روابط بر اساس احترام به اصل "وفای به عهد" ادامه یافت تا اینکه رژیم بعثی به سرکردگی صدام حسین، پس از بمب گذاری در تاسیسات نفتی ایران و شرکت در یک رشته اقدامات تخریبی علیه جمهوری اسلامی ایران به بهانه باز پس گیری جزایر سه گانه حملات تبلیغاتی خود را نسبت به ایران آغاز کرد و ۱۳۵۹/۶/۲۶ صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر شط العرب آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد.

در ۱۳۵۹/۶/۳۱ با حملات هوایی و زمینی ارتش بعث به خاک ایران جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه ایران را آغاز شد به ظاهر اختلافات مرزی دلیل اصلی تجاوز عراق به خاک ایران بود اما تجاوز عراق نتیجه نارضایتی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی نسبت به انقلاب اسلامی ایران و نگرانی از گسترش انقلاب به منطقه و حمایت از منافع دولت‌های

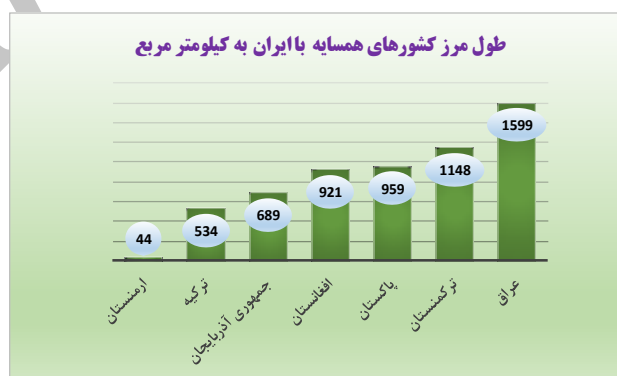
محافظه کار عربی نیز بود. این درگیری‌ها باعث دوقطبی شدن جهان عرب در مقابل ایران شد. به طوری که علاوه بر کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای عرب دیگر همچون اردن، مصر، مراکش و تونس نیز با حمایت از عراق به مقابله با انقلاب اسلامی پرداختند و کشورهای چپ‌گرای عرب عمدتاً یا از ایران حمایت می‌کردند و یا موضع بی‌طرفی اتخاذ می‌کردند.

با پایان یافتن جنگ، روابط ایران و عراق وارد مرحله تازه‌ای شد و دو کشور مذاکرات متعددی را تحت نظارت سازمان ملل جهت دستیابی به صلح و اجرای قطعنامه ۵۹۸ آغاز کردند، اما به دلیل عدم پذیرش مجدد قرار داد ۱۹۷۵ توسط عراق، این مذاکرات به نتیجه نرسید. در سال ۱۳۶۹ هنگامی که عراق در صدد تهیه مقدمات برای حمله به کویت بود، تلاش کرد تا مشکلات خود را با ایران حل کند و همچنین اطمینان لازم را در مرزهای شرقی خود کسب نماید و با فرستادن هواپیماهای خود به ایران سعی برای درگیر کردن ایران در این جنگ بود اما ایران با اعلام بی‌طرفی در جنگ، این اقدام را با شکست مواجه ساخت.

سرانجام پس از سقوط صدام زمینه حضور شیعیان و کردها در عرصه سیاسی فراهم شد. و در انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ شیعیان ۱۴۰ کرسی از ۲۷۵ کرسی را به دست گرفتند و هم‌اکنون نیز شیعیان عهده دار ۶۰٪ وزارت خانه‌های عراق هستند. باتوجه به اینکه روابط خارجی ایران و عراق قبل و بعد از انقلاب با فراز و فرودهایی روبرو بوده اما طی چند سال اخیر دو کشور دارای روابط بسیار خوب سیاسی هستند و با حضور اکثریت شیعه در رأس حکومت عراق و پارلمان تقویت نیز یافته است (Bagheri:2013:7).

جغرافیای سیاسی ایران

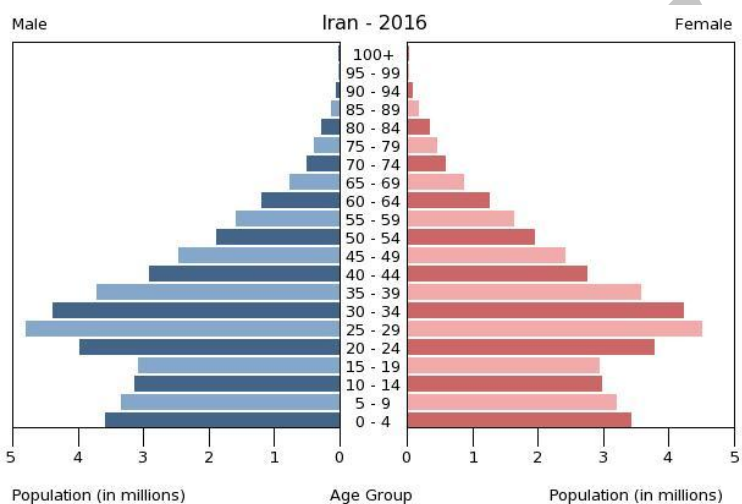
ایران در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با مساحت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلو متر مربع رتبه ۱۸ را از نظر وسعت به خود اختصاص داده و بر اساس آمار سازمان اطلاعات جهانی دارای جمعیتی حدود ۸۲۸۰۱۶۳۳ و بعنوان هفدهمین کشور پرجمعیت جهان شناخته می‌شود. طول مرزهای ایران به ۵۸۹۴ کیلومتر می‌رسد (<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ir.html>).



نمودار شماره ۱ - طول مرزهای ایران و کشورهای هم‌جوار

جدول شماره ۱ - طول مرزهای ایران و کشورهای هم جوار

| کشور | طول مرز |
|------------------|---------|
| عراق | ۱۵۹۹ |
| ترکمنستان | ۱۱۴۸ |
| پاکستان | ۹۵۹ |
| افغانستان | ۹۲۱ |
| جمهوری آذربایجان | ۶۸۹ |
| ترکیه | ۵۳۴ |
| ارمنستان | ۴۴ |



نقشه شماره ۱ - پراکندگی اقوام و مذاهب در ایران

در مورد ترکیب جمعیتی اقوام در ایران گزارش‌های مختلفی منتشر شده است و همگی بیان‌کننده این است که بیش از ۶۵٪ از جمعیت را فارس‌ها و پس از آن اقوام آذری، کردی، لری، بلوچ، عرب و ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که

اکثریت جمعیت آن متعلق به شیعیان است و اهل تسنن نیز در اقوام کرد، بلوچ و ترکمن دیده می‌شود. نقشه شماره یک پراکندگی اقوام و مذاهب را نشان می‌دهد.

ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب و جنوب و شمال از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی و همچنین وجود منابع طبیعی سرشار از جمله نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، کروم، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی، گوگرد اهمیت آن را افزایش داده به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیختن حساسیت‌های جهانی می‌گردد.

توزیع جمعیت در ایران با موقعیت جغرافیایی و اقلیم گرم و خشک آن مطابقت دارد به گونه‌ای که جمعیت در شمال، شمال غرب و غرب (رشته کوه‌های البرز و زاگرس) نسبت به مرکز و جنوب و جنوب شرق (دشت‌ها و کویرها) بیشتر است. با توجه به همسایگی ایران با پانزده کشور مستقل و ۲۴ دولت همجوار، موقعیتی فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده است که به طور ماهوی نیازمند تکامل فضایی همه جانبه می‌باشند. در واقع این موقعیت تهدید و فرصت برای ایران به گونه ایست که این کشور با استفاده از یک موقعیت استثنایی مرکزی و کانونی، می‌تواند به کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای تبدیل شود (Rashno:2015:142). بر این اساس جمهوری اسلامی ایران در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد که عبارتند از:

✓ تراکم تهدیدهای پیرامونی،

✓ مرزهای کنترل ناپذیر،

✓ فقدان چتر حمایتی بین‌المللی،

زیرا این واقعیت‌ها در درازمدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذارند (Karimipour: 2001:220).

موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه، وجود بحران‌ها و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور، وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان باعث به وجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از بزرگترین تهدیدهای فرامنطقه‌ای حضور ایالات متحده آمریکا می‌باشد و سیاستی که ایران در قبال این دولت‌ها سر لوحه خود قلمداد کرده است باعث مقابله آمریکا با این کشور در فضای بین‌المللی شده است.

جغرافیای سیاسی عراق

جمهوری عراق کشوری در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا که از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه می‌باشد، عراق در بخش جنوبی خود مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و با ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع وسعت رتبه پنجاه و نهم را به خود اختصاص می‌دهد ولی تنها ۱۸.۱٪ از زمین‌های آن برای کشاورزی استفاده می‌شود از این میان ۸.۴٪ زراعی، ۰.۵٪ کشت محصولات دیم، ۹.۲٪ مرتع دام و ۱.۹٪ آن را جنگل پوشش می‌دهد، طول مرزهای عراق به ۳۸۰۹ کیلومتر می‌رسد. قسمت عمده‌ای از خاک این

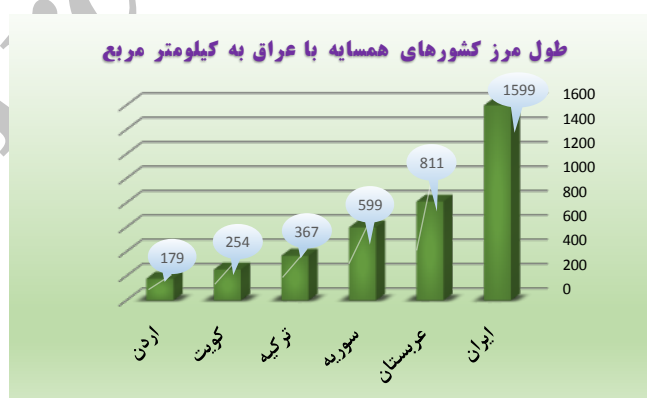
کشور پست و آب و هوای گرم و خشک دارد غرب عراق کویر و قسمت شرقی آن جلگه‌های حاصلخیز و در بخشی از کردستان عراق کوهستان‌ها را می‌توان مشاهده کرد. عراق با ۳۸,۱۴۶,۰۲۵ نفر جمعیت رتبه ۳۷ را در جهان دارد که اکثر جمعیت آن را اعراب و پس از آن به ترتیب کردها، ترکمن‌ها و فارس‌ها در بر می‌گیرد همچنین حدود ۶۰٪ از جمعیت را شیعیان و پس از آن اهل تسنن با ۳۲٪ را شامل می‌شود

(<https://www.cia.gov/library/publications/resources/the-world-factbook/geos/iz.html>) از نظر منابع طبیعی نیز دارای ذخائر عظیم نفت و گاز می‌باشد به طوری که ۹۹٪ صادرات عراق را نفت خام تشکیل می‌دهد (http://www.eia.doe.gov/oil_gas/info_glance/natural_gas.html accessed on January 2009)

باتوجه به مطالب فوق و همچنین وجود فضاهاى معنوی و قبور مطهر امامان شیعی در این کشور هر ساله شیعیان بسیاری از سراسر جهان را برای زیارت حرم امامان شیعه به عراق می‌کشاند که تجلی آن را می‌توان در روز بیستم صفر هر ساله مشاهده کرد به گونه‌ای که بزرگترین اجتماع شیعیان جهان هر ساله در ایام اربعین، در کربلا شکل می‌گیرد.

جدول شماره ۲ - طول مرزهای عراق و کشورهای هم جوار

| کشور | طول مرز |
|---------|---------|
| ایران | ۱۵۹۹ |
| عربستان | ۸۱۱ |
| سوریه | ۵۹۹ |
| ترکیه | ۳۶۷ |
| کویت | ۲۵۴ |
| اردن | ۱۷۹ |

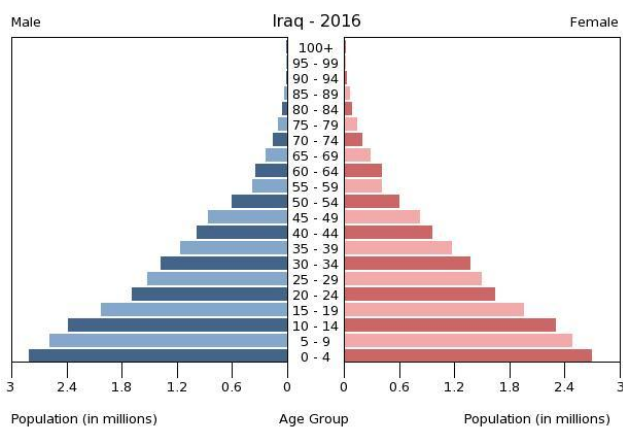


نمودار شماره ۳ - طول مرزهای عراق و کشورهای هم جوار

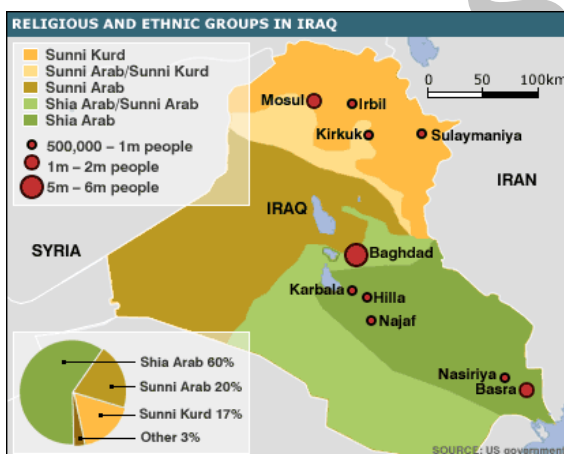
تری دژاردن^۱ روزنامه نگار برجسته فرانسوی در خصوص عراق چنین می‌نویسد: "عراق ناشی از دیوانگی‌های چرچیل است و اگر بعضی دیوانگی‌ها پایدار بماند، تبدیل به واقعیت می‌شود. عراق ساخته مصنوعی انگلیسی‌هاست

¹ Terry De Jarden

که برای تسلط دو میدان نفتی بصره و کرکوک قرار بر این شد که مردم این سرزمین (اعراب، ایرانی‌ها و کردها) را بر گرد پایتخت فراموش شده جمع نمایند" (De Jarden: 1976:20).



نمودار شماره ۴ - هرم سنی کشور عراق



نقشه شماره ۲ - پراکندگی مذاهب و جمعیت در عراق

تجزیه تحلیل

عراق با بیشترین طول مرز مشترک، ساختار جمعیتی، مذهبی و ایدئولوژیکی، و همچنین بهره مندی از منابع طبیعی نفت و گاز یکی از مهمترین همسایه ایران به شمار می‌رود، که می‌توان با شناسایی به علایق ژئوپلیتیکی هر دو کشور از همگرایی بیشتری میان این دو کشور استفاده مطلوب برد. با توجه به پیشینه روابط ایران و عراق و تحولات چند دهه اخیر در حال حاضر دو کشور داری روابط بسیار خوب سیاسی هستند. این امر با حضور اکثریت شیعیان در رأس حکومت عراق تقویت شده و زمینه فعالیت‌های ژئوکالچری بیشتری را بین دو کشور فراهم کرده که باید از آن بهره برداری مناسب شود برای مثال می‌توان به همکاری‌های کشورهای ایران و سایر کشورهای شیعی در خاک عراق در مراسم راهپیمایی اربعین حسینی و اشاعه فرهنگ شیعی در بین سایر کشورها اشاره کرد.

جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به علائق و منافع جامع در قالب ملاحظات استراتژیکی نظام بین‌الملل، باید استراتژی ژئوپلیتیک خود را با مطالعه و بررسی دقیق استراتژی ژئوپلیتیک ممالک همسایه و توجه به تقدم کشورهای عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان، بحرین، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت و نیز باشناسایی علائق

منطقه‌ای سایر کشورهای همجوار تدوین نماید، در قرن ۲۱ محور تفکرات استراتژیک بر مبنای ترتیبات امنیت جمعی و منظومه‌های ژئوپلیتیک است. بر این اساس، مؤلفه‌ها و محورهای ژئوپلیتیک ایران به گونه‌ای است که با پیوستگی و استمرار در حوزه‌های استراتژیکی سایر کشورهای منطقه، رعایت هم‌نواپی با آنها نیز ضروری است، در غیر این صورت با تقویت بحران، تولید تهدیدات را به دنبال خواهد داشت.

جدول شماره ۳ - مقایسه کشور ایران و عراق، آمار و اطلاعات از وب سایت <https://www.cia.gov> و آمار جمعیتی مربوط به ۲۰۱۶ جولای می‌باشد

| مقایسه دو کشور ایران و عراق | | |
|-----------------------------|---|---|
| کشور | ایران | عراق |
| مساحت کشور | ۱۶۴۸۱۹۵ | ۴۳۸۳۱۷ |
| طول مرز | ۵۸۹۴ | ۳۸۰۹ |
| شکل کشور | فشرده | تقریباً فشرده با کمی کشیدگی شمال به جنوب و قسمتی در غرب |
| تعداد همسایگان | ۱۵ | ۸ |
| دسترسی به دریا | خلیج فارس، عمان و خزر | خلیج فارس |
| طول خط ساحلی | ۳,۲۹۴ خلیج فارس دریای عمان و خزر | ۵۸ خلیج فارس |
| موقعیت جغرافیایی | خاورمیانه، کریدر شمال جنوب و شرق و غرب، تنگه هرمز | خاور میانه، دسترسی به خلیج فارس از باریکه جنوبی |
| منابع طبیعی | نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، کروم، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی، گوگرد | نفت، گاز طبیعی، فسفات، گوگرد |
| اقلیم | گرم و خشک | گرم و خشک |
| تولید ناخالص ملی به دلار | ۱۴۵۹۰۰۰۰۰۰۰ | ۵۹۶۷۰۰۰۰۰۰۰ |
| جمعیت | July 2016 est ۸۲۸۰۱۶۳۳ | July 2016 est ۳۸۱۴۶۰۲۵ |
| سن متوسط | سال ۲۸ | سال ۲۱ |
| نرخ رشد جمعیت | ۱.۲۲٪ | ۲.۲۳٪ |
| اقوام | فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن با اکثریت فارس‌ها | عرب، کرد، فارس، اکثریت عرب |
| زبان رسمی | فارسی، ترکی، کردی با اکثریت فارس زبان رسمی فارسی می‌باشد | عربی، کردی، ترکی با اکثریت عرب زبان |
| دین | اسلام شیعی اسلام سنی، مسیحی، یهودی دین رسمی اسلام شیعی با اکثریت شیعه | اسلام با اکثریت شیعی و پس از آن اهل سنت و مسیحیت |
| تقسیمات کشوری | استان ۳۱ | استان ۱۸ |

<https://www.cia.gov/library/publications/resources/the-world-factbook/geos/iz.html>

نتیجه گیری

حضور هر دو کشور در منطقه خاورمیانه، هارتلند انرژی و منطقه خلیج فارس بر اهمیت این دو کشور افزوده البته در این خصوص موقعیت ایران ویژه تر می‌باشد خط ساحلی ایران تقریباً بیش از ۵۶ برابر کشور عراق، تسلط بر تنگه هرمز، بیشترین دسترسی خط ساحلی در خلیج فارس، دریای عمان و خزر، جمعیتی بیش از دو برابر عراق، وسعت

بیش از سه برابر عراق و... که این موقعیت مانند شمشیر دو لبه عمل می‌کند به گونه‌ای که اگر یک کشوری از موقعیت ژئوپلیتیکی خود به طور مطلوب استفاده کند و در جهت افزایش منافع مشترک میان خود و کشورهای دوست تلاش کند، همگرایی بیشتر شده و باعث فراهم شدن فرصت ژئوپلیتیکی میان آن کشورها خواهد شد و در غیر این صورت نتیجه آن چالش ژئوپلیتیک خواهد بود به گونه‌ای که کشورهای قدرتمند فرامنطقه‌ای لحظه‌ای از این منطقه چشم‌پوشسته و با هر روشی کشور مورد نظر را درگیر مسائل دیگری می‌کنند؛ تعریف و برداشت از تروریسم حمایت و یا عدم حمایت از آنها، تلاش برای فرقه‌گرایی و ایجاد شکاف بین اقوام ملت‌های منطقه، ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه، ترویج فرهنگ غربی و نفوذ در بین جوامع، استفاده از تحریم برای کنترل بیشتر کشور مورد نظر و ...

از بزرگترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق حضور تروریسم‌های تکفیری، نا امنی منطقه، حضور نظامی سایر کشورهای منطقه، درگیری جنگ‌های نیابتی و... می‌باشد با توجه به اینکه طولانی‌ترین مرز برای هر دو کشور ایران و عراق میان سایر همسایگان‌شان با یکدیگر دارند کنترل و هزینه مرز در این محدوده برای ایجاد امنیت افزایش خواهد داشت.

از فرصت‌های به وجود آمده میان ایران و عراق می‌توان به اکثریت جمعیت شیعه و هم‌نمایی میان آنان، امکان پیدا کردن متحد استراتژیک و خروج از تنهایی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، حضور دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اوپک، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و غیره که زمینه ساز هم‌افزایی پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی میان دو کشور خواهد بود.

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و عراق همواره این کشورها مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده‌اند، عدم استفاده مطلوب این کشورها از کدهای ژئوپلیتیکی خود باعث متضرر شدن این کشورها در روابط بین‌الملل خواهد بود این آسیب‌ها را در دوران گذار بیشتر می‌توان مشاهده کرد، گزندهایی که حاصل از بی‌توجهی نخبگان سیاست خارجی این کشورها از ژنوم‌های ژئوپلیتیکی کشور خود می‌باشند، هرچه شناخت و تجزیه تحلیل‌های بین‌المللی با اتکا به مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی بیشتر باشد کشورها در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی خود موفق‌تر عمل خواهد کرد.

References

- Bagheri Hussein. 2013 Internal actors in the new political structure of Iraq and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, Afagh Security monthly journal, the fifth issue, No 19, [In Persian]
- Behzadi Hamid 1994. Principles of International Relations and Foreign Policy, Dehkoda Publications, Tehran. [In Persian]
- De Jarden Terry, A hundred million Arabs, Toos Publishing, 1976, Tehran.
- Ezzati Ezzatollah and Bakhtiyar Pour Ali 2010. Geopolitical expansion of Iran in the Arabian Middle East by drawing the expansion model in the Eastern Mediterranean, Quarterly Journal of Science Land, Year Issue 27, [In Persian]
- Ezzati Ezzatollah 2008. Geopolitics, Samt Publications, 2006, Tehran. [In Persian]
- Geographic Organization of the Armed Forces, Geopolitics of the Persian Gulf Region (with emphasis on Shias) Tehran. [In Persian]

- Hafez Nia Mohammad Reza and Rumina Ebrahim 2005. Analysis of Geopolitical Capacities in the South East and its Impact on the National Interests of Iran, the Second Congress of the Geopolitical Association, Tehran. [In Persian]
- Hafez Nia Mohammad Reza and Rumina Ebrahim 1999. The Relationship between Iran and Saudi Arabia and its Impact on the Geopolitics of the Persian Gulf. Quarterly journal of geographic research, Tehran. [In Persian]
- Hafez Nia Mohammad Reza 2006. Geopolitical Principles and Concepts, Papeli Publications, Tehran. [In Persian]
- Hafez Nia Mohammad Reza 2000. Punjab geopolitical situation in Pakistan, al-Mahdi Publications, Tehran. [In Persian]
- Houshang Mahdavi, Abdolreza 2001. Iran's Foreign Policy in the Pahlavi Era, Peykan Publishing, Tehran. [In Persian]
- Karimipour Yadollah 2001. an Introduction to Iran and its Neighbors, Tehran Jihad Daneshghahi Press, Tehran. [In Persian]
- Mansuri Javad 1986. A commentary on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Amir Kabir Publishing, Tehran. [In Persian]
- Marschall, Christin, 2003. Iran's Persian Gulf Policy, Routledge Curzon Pub
- Morgenta, Hans 1995. Inter-National Politics, Translated by Homeira Moshirzadeh, Ministry of Foreign Affairs Publishing Institute, Tehran,
- Rashno Nabiollah 2015. Geopolitical Requirements in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Avaye Danesh GhoStar Publications, Tehran. [In Persian]
- Sajadpour Kazem 2004. Iranian Geopolitical Association Congress, Tehran. [In Persian]
- Zain al-Abedin Yousef, Shirzad Zahra, Jokar Nasibeh 2010. Influencing Factors on Geopolitical Relations of Iran and the Gulf States, Urban Ecology Research, the First issue, No. 2, Pp 70-80. [In Persian]
- http://www.eia.doe.gov/oil_gas/info_glance/natural_gas.html accessed on January 2009)
- <https://www.cia.gov>

Archive SID